

چالش‌های فراروی کمیسیون مستقل حقوق

بشر افغانستان

نگارنده: دکتر سیدحسین حسینی^۱

چکیده

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به‌عنوان یک نهاد ملی حقوق بشر، براساس توافق‌نامه بُن و فرمان رئیس‌جمهور، آغاز به کار کرد و با تصویب قانون اساسی در سال ۱۳۸۲ مبنای قانونی یافته و به‌صورت رسمی تأسیس گردید. این کمیسیون از بدو تأسیس، متناسب با معیارهای مندرج در اصول‌نامه پاریس و در چهارچوب قانون، فعالیت کرده و در اجرای حقوق بین‌الملل بشر و معاهدات ملحق شده به دست‌آوردهای عظیم در عرصه نظارت، حمایت و بهبود وضعیت حقوق بشر در افغانستان دست‌یافته است.

این پژوهش با شیوه توصیفی - تحلیلی و نوع کتابخانه‌یی تنظیم گردیده که چالش‌های فراروی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به گونه همه‌جانبه آن بررسی کرده است. نتایج آن نشان می‌دهد که کمیسیون حقوق بشر با چالش‌ها و دشواری‌هایی از جمله حساسیت‌های اجتماعی و سیاسی نسبت به فعالیت‌های حقوق بشری، کم‌بودی، تعارض حقوق بشر با موازین اسلامی، مکانیزم دریافت و ثبت شکایات، استقلال مالی کمیسیون، نبود اراده سیاسی برای تأمین حقوق بشر، آداب و رسوم و عرف‌های نادرست، فساد اداری، ضعف حاکمیت دولت و وجود اشخاص متهم به جرم در بدنه حکومت و غیره مواجه می‌باشد.

واژه‌گان کلیدی: کمیسیون مستقل، حقوق بشر، چالش، قواعد

بین‌الملل و افغانستان

گالب (فصل‌نامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی پوهنتون خصوصی غالب)
سال هفتم، نشراتی، سلسله بیست‌و‌چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷

^۱ استاد فاکولته حقوق و علوم سیاسی پوهنتون غالب هرات.

۱. مقدمه

حقوق بشر نهاد ملی متصل به حکومت است، که طبق فرمان رئیس‌جمهور به‌منظور رسیده‌گی به موضوعات حقوق بشری در یک کشور تشکیل می‌شود و بامطالعه، تحقیق، بررسی، رسیده‌گی به شکایات، ارائه نظریات مشوره‌تی و توصیه‌های لازم به حکومت در واقع وظیفه و مسؤولیتی را که هر دولت دموکراتیک و مردمی در زمینه حمایت و ارتقای حقوق بشر دارد، عملی می‌سازد. در عین حال از یک نهاد ملی انتظار می‌رود که بتواند به‌صورت مستقل عمل نماید. تأمین این منظور به نوع افرادی که عضویت آن را دارند و نیز مقررات حاکم بر آن از قبیل استقلال آن در بودجه و به‌کارگرفتن افراد و نظایر آن بسته‌گی دارد (مهرپور؛ ۱۳۹۲: ۲۸۷).

در افغانستان، کمیسیون مستقل حقوق بشر مطابق توافقات بُن (۵ دسامبر ۲۰۰۱) بر اساس فرمان مؤرخ ۱۶ جوزای ۱۳۸۱ رئیس‌اداره موقت و قطع‌نامه ۱۳۴/۴۸ سال ۱۹۹۳ مجمع عمومی ملل متحد (General Assembly Resolution: A/RES/۴۸/۱۳۴, Dec ۱۹۹۳) اصول پاریس و ماده ۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان تأسیس و فعالیت‌های خود را در زمینه توسعه، حمایت و نظارت حقوق بشر انجام می‌دهد.

به دلیل این که کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، خارج از ارکان سه‌گانه دولت، یعنی قوه قضائیه، مقننه و مجریه جزء ساختار نظام کشوری بوده و به طور مستقلانه عمل می‌نماید؛ مأموریت کاری کمیسیون ایجاب می‌نماید تا به عنوان یک ارگان مستقل عمل نماید؛ در غیر این صورت، کمیسیون نمی‌تواند از نحوه فعالیت نهادهای دولتی و سایر نهادها مطلع شده و بر رعایت حقوق بشر نظارت نماید.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در انجام فعالیت‌های خویش احکام قانون اساسی، قانون تشکیل وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و سایر قوانین جاری کشور را ملاک عمل قرار می‌دهد^۱ قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ماده ۲).

دولت افغانستان براساس اصولنامه پاریس (Institution Nationales Pour Les Droits De L Homan Nations Unies New York Et, Geneve. ۱۹۹۶)

و قانون اساسی کشور، خود را متعهد می‌داند تا کاملاً با کمیسیون مستقل حقوق بشر هم‌کاری کند^۱ (www.unama.afg.org) و آن‌طور که در این اصول پیش‌بینی شده است، فضای مناسب کاری برای این نهاد به‌وجود بیاورد.

علی‌رغم حصول دست‌آوردهای قابل ملاحظه در زمینه توسعه حقوق بشر و حمایت از آن در کشور، برای نهاده شدن این ارزش‌ها، راه دراز و پُر مخاطره‌ی پیش رو است و با چالش‌ها و گرفتاری‌های فراوانی مواجه‌ایم که عبور از این موانع، دقت، تأمل و تلاش شجاعانه شهروندان کشور، فعالان حقوق بشر و جامعه مدنی را می‌طلبد.

در پژوهش سعی داریم تا به این پرسش‌ها پاسخ مناسب بیابیم که: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان با چه چالش‌هایی در پیش‌برد اهداف و فعالیت‌های خود روبه‌روست؟ آیا این چالش‌ها و موانع باعث گردیده است که این کمیسیون از اجرای قواعد و مقررات بین‌المللی باز بماند؟ چه راه‌کارهایی برای رفع این چالش‌ها پیش‌بینی شده است؟

به نظر می‌رسد بیش‌تر این چالش‌ها در جهت ضعف تثبیت جای‌گاه این کمیسیون در نظام حقوقی افغانستان باشد؛ زیرا از تأسیس این نهاد حقوق بشری کمتر از دو دهه پیش نمی‌گذرد؛ از طرف دیگر جامعه افغانستان یک جامعه سنتی و اسلامی است؛ مسؤولان و مردم از پذیرش و همکاری با این کمیسیون به خاطر سوغات آن طرف مرز، سر باز می‌زنند.

۲. صلاحیت‌ها و عمل‌کردهای کمیسیون در راستای اجرای معاهدات

حقوق بشری

زمانی که سازوکارهای داخلی از عهده حمایت حقوقی که ادعا می‌شود نقض گردیده، بر نیاید حقوق بین‌الملل بشر، باید به مثابه ابزار نهایی مورد استفاده قرار گیرد (تاموشات؛ ۱۳۸۶: ۲۲۰).

۱-۲. کنوانسیون‌های مورد تصویب دولت افغانستان

افغانستان از جمله کشورهایی است که به کنوانسیون‌های متعدد بین‌المللی حقوق بشر پیوسته است. از میان نه کنوانسیون مهم در زمینه حقوق بشر، دولت افغانستان هفت کنوانسیون؛ علاوه بر دو پروتوکول اختیاری کنوانسیون حقوق کودک را امضاء و تصویب نموده که طبقاً عضو آن‌ها محسوب می‌شود. این کنوانسیون‌ها و پروتوکول‌ها عبارتند از:

۱. کنوانسیون منع و مجازات کشتار دسته جمعی (ژنوساید) مصوب ۹ دسمبر ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۱، دولت افغانستان در تاریخ ۲۲ مارچ ۱۹۵۶ آن را امضاء نموده است؛

^۱- Convention on the prevention and punishment of the crime of Genocide, UN, G. A., Res. ۲۶۰A (III) of ۹ Dec. ۱۹۴۸.

۲. کنوانسیون بین المللی رفع تبعیض نژادی، مصوب ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۱، سند پذیرش این کنوانسیون توسط دولت افغانستان در تاریخ ۶ جولای ۱۹۸۳ به سازمان ملل متحد تحویل داده شد (کنوست؛ ۱۳۸۶: ۵۶)؛
۳. کنوانسیون بین المللی لغو و مجازات جنایت آپارتاید، مصوب ۳۰ نوامبر ۱۹۷۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون مزبور در تاریخ ۶ جولای ۱۹۸۳ به امضای دولت افغانستان رسید؛
۴. کنوانسیون حقوق کودک، مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۲، کنوانسیون مزبور در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۰ به امضای دولت افغانستان رسیده و سند پذیرش آن در تاریخ ۲۷ اپریل ۱۹۹۴ به سازمان ملل تحویل داده شده است. افغانستان اصلاحیه‌ی را نسبت به بند ۲ ماده ۴۳ کنوانسیون پذیرفته است.
۵. پروتوکول اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مخاصمات مسلحانه، مصوب ۲۵ می ۲۰۰۰، دولت افغانستان سند پذیرش را در تاریخ ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۳ به سازمان ملل متحد تحویل داد؛
۶. پروتوکول اختیاری کنوانسیون حقوق کودک از لحاظ فروش و فحشا، مصوب ۲۵ می ۲۰۰۰، افغانستان سند پذیرش را در تاریخ ۱۹ اکتبر ۲۰۰۲ به سازمان ملل متحد تحویل داد؛
۷. کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان، مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۳، دولت افغانستان این کنوانسیون را در تاریخ ۱۴ اوت ۱۹۸۰ امضاء و در تاریخ ۵ مارچ ۲۰۰۳ سند قبولی آن را به سازمان ملل متحد تحویل داد. دولت افغانستان اصلاحیه‌ی را نسبت به بند ۱ ماده ۲۰ این کنوانسیون نیز پذیرفته است.
۸. کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات غیر انسانی، مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۴، افغانستان این کنوانسیون را در تاریخ ۱۴ فبروری ۱۹۸۵

^۱- International Convention on the Elimination of all Forms of Racial Discrimination, UN, G. A., Res. ۲۱۰۶ (XX) of ۲۱ Dec. ۱۹۶۵.

^۲- Convention on the Elimination the Rights of the child, UN, G. A., Res. ۴۴/۲۵ of ۲۰ Nov. ۱۹۸۹.

^۳- Convention on the Elimination of all Forms of Discrimination Against women, UN, G. A., Res. ۳۴/۱۸۰ of ۱۸ Dec. ۱۹۷۹.

^۴- Convention Against Torture and other Cruel, inhuman or Degrading treatment or punishment, UN, G. A., Res. ۳۹/۴۶ of Dec. ۱۹۸۴.

امضاء و در تاریخ ۲۶ جنوری ۱۹۸۷ سند قبول آن را به سازمان ملل تحویل داد (کنوست؛ ۱۳۸۶: ۵۷).

قابل ذکر است که دولت افغانستان نسبت به ماده ۲۰ و ۳۰ این کنوانسیون حق شرط را اعمال کرده است. اصلاحیه‌ی نسبت به بند ۷ ماده ۱۷ و بند ۵ ماده ۱۸ را نیز دولت افغانستان پذیرفته است؛

۹. کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۱، افغانستان در تاریخ ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۲ به این کنوانسیون ملحق شده است.^۲

علاوه بر کنوانسیون‌های بالا، دولت افغانستان منشور ملل متحد را که برخی مواد آن به مسائل حقوق بشر پرداخته است امضاء و تصویب نموده است و در سال ۱۹۴۶ رسماً به عضویت سازمان ملل متحد ملحق شده است (در جریان تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، دولت افغانستان حضور داشته و جز رأی دهنده‌گان مثبت بوده است (www.un.org)).

اساساً در اجرای یک معاهده بین‌المللی در قلمرو داخلی، دو شیوه را می‌توان مینا قرار داد؛ نخست، می‌توان معاهده را از سطح بین‌المللی به نظم حقوقی داخلی تبدیل کرد تا از این طریق قواعد بین‌المللی مزبور، بخشی از نظم حقوقی شود که با هر قاعده حقوقی دیگری با خاستگاه واقعی ملی اعتبار واحدی داشته باشد. معمولاً جابه‌جایی یا انتقال یا هر نامی که ممکن است به این فرایند داده شود، از رهگذر یک اقدام ملی و در مورد معاهدات بین‌المللی مهم از طریق یک مصوبه پارلمانی صورت می‌گیرد به صورت سنتی، اروپای غربی به این روال پای‌بند است.

در شیوه دوم، بر برداشت دوگانه‌گرا از رابطه بین حقوق داخلی و حقوق بین‌المللی حتی در یک قلمرو وسیع‌تر تأکید می‌شود. مطابق این شیوه که در بریتانیا جریان دارد، معاهدات بین‌المللی به مثابه اقدامات قدرت اجرایی دولت در نظر گرفته می‌شود که دولت بریتانیا را در برابر دیگر دولت‌های عضو ملزم و متعهد می‌کنند؛ اما به‌عنوان عناصر نظم حقوقی داخلی محسوب نمی‌شود. به‌منظور اجرای معاهده، معمولاً دولت انگلستان آیین‌نامه‌ی وضع یا اقدام

^۱ - Convention on the Rights of Persons With Disabilities, Un,G.A., Res/۶۱/۱۰۶ of dec ۲۰۰۶

^۲ - مطالعات اسناد مکتوب، سایت سازمان ملل متحد و سایت کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نشان می‌دهد که دولت افغانستان از میان مجموعه اسناد حقوق بشری فقط به همین نه سند بعلاوه اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملحق شده و به آنها متعهد گردیده است.

قانون گذاری ثانویه مناسب دیگری را انجام می دهد که نتایج ناشی از معاهده مورد نظر در چهارچوب قوانین بریتانیا لحاظ می نماید (تاموشات، ۱۳۸۶: ۲۰۶).

در افغانستان هیچ سند قانونی مکتوب و صریح وجود ندارد که افغانستان کدام رویه را در پیش بگیرد؛ ولی عملاً تمایل به رویه اولی بیش تر است. به نظر می رسد که برای قانون گذاران افغانستان، سازوکارهای حقوقی داخلی، نسبت به نورم های حقوقی بین المللی، اولویت دارد؛ به طور کلی می توان اذعان نمود که این اسناد شامل یک رشته از معیارهایی می باشد که اساس سیستم حقوق بشر ملل متحد را تشکیل داده و جزو قواعد بین المللی می باشد. افغانستان در قانون اساسی خود متعهد گردیده است که به معاهدات بین المللی حقوق بشر پای بند می باشد.^۱

۲-۲. صلاحیت ها و عمل کردهای کمیسیون

اهداف کمیسیون که در قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت های کمیسیون مستقل حقوق بشر آمده است از این قرار است: نظارت بر رعایت حقوق بشر در کشور؛ تعمیم و حمایت از حقوق بشر؛ نظارت از وضعیت و چگونه گی دسترسی افراد به حقوق و آزادی های بشری؛ بررسی و تحقیق از تخلفات و موارد نقض حقوق بشر.^۲

مهم ترین صلاحیت های این کمیسیون در زمینه نظارت بر حقوق بشر و حمایت از آن را می توان چنین بر شمرد:

نظارت بر وضعیت حقوق بشر و تطبیق احکام قانون اساسی، سایر قوانین، مقررات، لوایح و تعهدات در رابطه با حقوق بشر و نظارت از عمل کردهای سیستم اداری، عدلی، قضایی، نهادها و مؤسسات انتفاعی و غیر انتفاعی ملی و بین المللی در کشور که بر وضعیت حقوق بشر مؤثر باشد، نظارت بر اجراءات مراجع دولتی و غیردولتی در رابطه به توزیع عادلانه و قابل دسترسی خدمات و تأمینات، نظارت بر وضعیت و چگونه گی دسترسی افراد به حقوق و آزادی های بشری، بازدید از محلات سلب آزادی و نظارت از تطبیق قوانین مربوط به رفتار با زندانیان مطابق احکام قانون مربوط، جمع آوری اسناد، مدارک، شواهد و معلومات در موارد نقض حقوق بشر و ارجاع نتایج بررسی ها جهت حل و جلوگیری از تخلف و نقض حقوق بشر به مراجع مربوط و تعقیب اجراءات در آن زمینه، هم کاری با ادارات دولتی مربوط در زمینه رعایت موازین حقوق بشر و هم کاری با مراجع دولتی و غیردولتی و سایر مؤسسات به منظور تطبیق بهتر

^۱ - ماده ۷ قانون اساسی افغانستان صراحت دارد که: دولت به منشور ملل متحد، معاهدات بین المللی، کنوانسیون های بین المللی که افغانستان آنها را امضاء نموده است و نیز به اعلامیه جهانی حقوق بشر پای بند می باشد.

^۲ قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت های کمیسیون مستقل حقوق بشر، ماده ۵

موازن حقوق بشر و بالابردن درجهٔ رعایت حقوق بشر در عرصه‌های مربوط و هم‌کاری در جهت تطبیق اصلاحات اداری به منظور تأمین، حمایت و بهبود حقوق بشر، انجام مشورت‌های ملی و نظرخواهی عمومی به منظور دریافت شیوه‌های عملی، بهبود، حمایت و انکشاف حقوق بشر و تهیهٔ طرح در زمینه، مطالبه توضیحات راجع به علل عدم رعایت اصول و موازن حقوق بشر از مسؤولان امور (همان؛ مادهٔ ۲۱).

صلاحیت‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر بسیار گسترده است که همه‌گی جنبهٔ ترویجی، تبلیغی و حمایتی دارند و از نظر عملی، صلاحیت اقدام اجرایی را ندارند. کارهای عملی و اجرایی مربوط به حقوق بشر به دست‌گاه‌های متعدد دولتی مربوط می‌شود که همه قوای سه‌گانه را در بر می‌گیرد.

کمیسیون مستقل حقوق بشر باید برای حمایت از حقوق بشر، حقوق و آزادی‌هایی به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی، قوانین عادی و میثاق‌ها و معاهدات حقوق بشری که افغانستان به آن‌ها پیوسته است؛ تلاش کند^۱ (همان؛ مادهٔ ۴) دولت افغانستان ملزم است که کنوانسیون‌های ملحق شده را در عمل اجراء کند و از اجرای آن به ساختارهای مربوطهٔ سازمان ملل متحد، به‌طور مداوم گزارش ارائه کند.^۲ مکانیسم گزارش‌دهی از تطبیق این کنوانسیون‌ها، در خود این اسناد پیش‌بینی شده است. بر اساس این مکانیسم هر کشور بعد از الحاق به یک کنوانسیون در مرحلهٔ اول بعد از یک یا دو سال، از تطبیق این کنوانسیون به کمیتهٔ مربوط گزارش ارائه کند و بعد سپس از هر چهار یا پنج سال.

دولت افغانستان طی سال‌های اخیر، در عرصهٔ حقوق مدنی و سیاسی، دست‌آوردهای نسبتاً خوبی داشته است، آزادی بیان، تشکیل رسانه‌های آزاد، مشارکت سیاسی، تشکیل احزاب، تشکیل اجتماعات و انجمن‌ها را می‌توان از جمله دست‌آوردهای عمده نام برد. متأسفانه در زمینهٔ مشارکت سیاسی، به عنوان برخورداری از حق سیاسی شهروندان افغانستان، اگرچه مردم در استفاده از این حق، از آزادی لازم برخوردار بودند؛ اما اتهام تخلفات گسترده در طی چند دور

^۱ - «حقوق بشر به مفهوم این قانون عبارت است از حقوق و آزادی‌های اساسی اتباع که قانون اساسی، اعلامیه‌ها، میثاق‌ها، قراردادها، پروتکل‌ها و سایر اسناد بین‌المللی حقوق بشر که افغانستان به رعایت و تطبیق آن متعهد است؛ تثبیت گردیده باشد.» همین طور در ادامه آمده است: «دسترسی مساوی و عادلانه به بیمه‌ها، تأمینات اجتماعی و خدمات دولتی که دولت ارائه می‌دارد، نیز از جمله حقوق بشری افراد محسوب می‌گردد».

^۲ - بر اساس مفاد کنوانسیون‌های حقوق بشر، تعهدات دولت‌ها در دو قالب عمده پیش‌بینی شده است: یکی تعهد در اجرا یعنی دولت‌ها ملزمند در قلمرو خود، مفاد این معاهدات را اجرا نمایند؛ دوم تعهد در دادن گزارش از تطبیق این کنوانسیون‌ها که دولت‌ها ملزم می‌شوند تا در دوره‌های زمانی معینی، درباره چگونگی اجرای مفاد کنوانسیون به نهاد یا کمیته ناظری که در کنوانسیون مشخص شده است؛ گزارش ارائه کنند.

انتخابات، آسیب جدی به اعتماد مردم نسبت به استفاده از این حق، وارد کرده است؛ اما در زمینه تأمین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت افغانستان نتوانسته است کارهای مهمی انجام دهد. هنوز مشکلات زیادی در تأمین حق آموزش، بهداشت، کار، غذا، امنیت اجتماعی و غیره وجود دارد؛ بنابراین، توازن بین پرداختن به حقوق سیاسی - مدنی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، وجود نداشته است. هر چند با علم به این که پرداختن به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، هزینه‌بردار است؛ اما گام مهم و سیستماتیک برای تأمین این حقوق برداشته نشده است.

طی دوره جدید، دولت افغانستان توانست با کم و کاستی زیادی، از تطبیق سه کنوانسیون، کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان - به طور نامنظم گزارش ارائه کند و نیز دولت، طی دو دوره، در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۳، از وضعیت عمومی حقوق بشر در کشور، به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد گزارش ارائه کرد. تقریباً تمام این گزارش‌ها، آن طور که ایجاب می‌کرد که باید مناسب، به موقع، جامع و دقیق باشند، متأسفانه نبودند (فیض؛ ۲۱ آذر ۱۳۹۴).

کمیسیون در راستای اجرای هر چه بهتر معاهدات حقوق بشری فعالیت‌های خود را طبق (برنامه استراتژیک) و (برنامه عمل کمیسیون) تنظیم نمود. برنامه استراتژیک فعلی کمیسیون سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ را تحت پوشش قرار می‌دهد. مهم‌ترین کارهایی که کمیسیون در راستای دست‌یابی به اهداف استراتژیک مندرج در قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون و نیز اهداف برنامه استراتژیک خود، انجام می‌دهد و در برنامه عمل کمیسیون نیز درج گردیده است؛ عبارتند از: برگزاری سیمینارهای علمی، کنفرانس‌های مطبوعاتی، نشر اعلامیه‌ها و بیانیه‌های مطبوعاتی در رابطه با وضعیت و رخ‌داده‌ها و مناسبت‌های حقوق بشری در طول سال - راه‌اندازی گفت‌وگوها و کنفرانس‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه بحث و بررسی مسائل مهم حقوق بشر - نظارت مداوم بر رسانه‌ها به منظور بررسی بازتاب موضوعات حقوق بشری و ارزیابی افکار عمومی و رسانه‌ها در رابطه با مسائل حقوق بشری و تهیه خبرنامه و انتشار آن - مشارکت فعال در جلسات سالانه کمیته بین‌المللی هماهنگی نهادهای ملی حقوق بشر (ICC) و مجمع آسیا-اقیانوسیه نهادهای ملی حقوق بشر (APF) و دیگر کنفرانس‌ها و جلسات منطقه‌ای و بین‌المللی - حمایت و پشتیبانی از نهادهای آموزشی، نهادهای جامعه مدنی، فعالان حقوق بشر و حقوق زنان، خبرگزاری‌ها و قربانیان نقض حقوق بشر - برگزاری کارگاه‌های آموزشی ارتقای ظرفیت در زمینه حقوق بشر و شیوه‌های آموزش و دادخواهی آن برای فعالان مدنی، دانش‌جویان دانشگاه‌ها، منسوبین نیروهای امنیتی، مقامات

قضایی و دادرسی، مأموران محلات سلب آزادی، وکلای مدافع و غیره و نیز برنامه‌های ویژه از قبیل راه‌اندازی برنامه‌های آموزش کودکان و غیره، تهیه و انتشار برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی از تلویزیون‌ها و رادیوهای ملی و محلی در رابطه به موضوعات حقوق بشری، انتشار ماه‌نامه حقوق بشر و نشر دیگر مطالب حقوق بشری در وب‌سایت کمیسیون و ایجاد کتابخانه‌های اختصاصی در دفاتر کمیسیون در رابطه به حقوق بشر، انجام ارزیابی سالانه از اجرا و تطبیق برنامه عمل سالانه کمیسیون و سایر امور اداری و مالی مرتبط با پلان استراتژیک و پلان عمل در تمام سطوح و ارزیابی سالانه کارمندان، نظارت مداوم بر عمل کردن آن‌ها و بازنگری و اصلاح سیستم‌ها، طرز العمل‌ها و لوازم مربوط به امور مالی و اداری کمیسیون، تهیه و انتشار گزارش‌های تحقیقی سالانه و موضوعی در رابطه با موضوعات مختلف حقوق بشر برای بررسی وضعیت حقوق بشر در سطح کشور و ارائه پیش‌نهادهای مشخص به مراجع مسؤول و پی‌گیری آن‌ها، نظارت بر روند انتخابات‌های ریاست جمهوری، شورای ملی و شوراهای ولایتی، ولسوالی و شاروالی‌ها و تهیه و نشر گزارش از آن‌ها، ارائه خدمات و مساعدت‌های حقوقی به قربانیان نقض حقوق بشر و خشونت علیه زنان و دفاع از حقوق بشری آن‌ها در مراجع قضایی، نظارت از تطبیق سفارشات سازمان ملل متحد توسط دولت افغانستان و تهیه گزارش در رابطه با آن^۱ (www.Aihrc.org.af).

همه‌گی این فعالیت‌ها در راستای اجرای حقوق بین‌الملل بشر و به‌خصوص کنوانسیون‌های مورد تصویب دولت افغانستان می‌باشد. دولت افغانستان نیز در قانون اساسی و سایر قوانین عادی متعهد به رعایت و اجرای آن‌ها شده است.

۳. چالش‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

نهاد ملی حقوق بشر، که در افغانستان از آن به عنوان «کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان» یاد می‌شود، بر اساس اصول نامه پاریس، ایجاد گردیده فعالیت می‌کند. دولت‌هایی که دارای نهاد ملی هستند، باید اصول شش‌گانه پاریس را در نحوه فعالیت‌های نهادها، رعایت کنند. این کمیسیون با یک رسالت وسیع وارد نظام اداری افغانستان شد. این نهاد، که رسالت‌اش حمایت و توسعه حقوق شهروندان این کشور بود، امیدواری‌های زیادی به وجود آورد که بتواند از حقوق بشری شهروندان دفاع کند و به زخم‌های آنان التیام بگذارد. این نهاد،

^۱ - کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۱۳۹۳). برنامه عمل کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان ۱۳۹۳-۱۳۹۷. (۲۰۱۸-۲۰۱۴).

همانند نهادهای دیگر دولتی، از وضعیت حاکم مصون نماند و ناکارایی ساختارهای دیگر دولتی، اثر مستقیم بر عمل کرد این نهاد نیز داشته است. در ذیل چالش‌ها، مداخلات و عدم هم‌کاری با کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در چهار مورد بیان می‌شود:

۱-۳. چالش فرهنگی

در چالش‌های فرهنگی به دو مسأله مهم پرداخته شده است:

۱-۱-۳. تعارض حقوق بشر و موازین اسلامی

نمی‌توان انکار کرد که برخی مقررات حقوق بشری با موازین اسلامی سازگاری ندارد و در قانون اساسی نیز نوعی تناقض ابتدایی در این زمینه وجود دارد که با دقت و تأمل قابل رفع است؛ از این جهت، کمیسیون باید راه‌حلی برای آن بیابد؛ زیرا کمیسیون نمی‌تواند به صورت کامل، خود را با معیارهای بین‌المللی حقوق بشر، وفادار بداند.

در قانون کمیسیون آمده است: «کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در انجام فعالیت‌های خویش، احکام قانون اساسی، این قانون (قانون کمیسیون) و سایر قوانین نافذ کشور را ملاک عمل قرار دهد.^۱ از طرفی هیچ قانونی نمی‌تواند مغایر با معتقدات و احکام اسلامی باشد (قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، ماده ۳).

تاکنون راه‌حل عملی و اساسی در این زمینه ارائه نشده و در قانون کمیسیون نیز به این امر توجه نشده است؛ البته در بند ۱۶ ماده ۲۱ قانون کمیسیون از صلاحیت‌های آن، «انجام تحقیقات علمی به منظور دریافت شیوه‌های مؤثر هماهنگی مکانیزم‌های بین‌المللی حقوق بشر با عقاید، فرهنگ و عنعنات (آداب و رسم) ملی و تهیه طرح در این زمینه» (قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ماده ۲۱، بند ۱۶) تلقی شده است که بسیار مبهم و کلی است. نظر کلی آن است که بهترین وسیله و تضمین اجرای موازین حقوق بشر این است که سازوکارهای بین‌المللی به صورتی طرح‌ریزی شوند که با موازین و مفاهیم فرهنگ و سنت‌های محلی هم‌خوانی داشته باشند (شجاعی؛ ۱۳۸۲: ۱۴۳).

با تأمل و دقت در قانون اساسی افغانستان در می‌یابیم که طبق مقدمه قانون اساسی، اعتقاد به دین مقدس اسلام، رعایت منشور ملل متحد و احترام به اعلامیه جهانی حقوق بشر به منظور تأسیس نظام متکی بر اراده مردم و دموکراسی و حفظ کرامت و حقوق انسانی از

^۱ ماده ۲ قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

اعتباری هم‌سان بر خوردارند (www.mpil.de). پیرو این مهم، مادهٔ ششم به صراحت اشعار می‌دارد: دولت به ایجاد یک جامعهٔ مرفه و مترقی بر اساس حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، تحقق دموکراسی و ... مکلف است «به‌موجب این ماده، سه معیار کرامت انسانی، حقوق بشر و دموکراسی در کنار هم و از اعتبار یک‌سان برخوردارند».

قانون‌گذار در مادهٔ ۷ بار دیگر موارد گفته‌شده در مقدمه را تأکید می‌کند: دولت، منشور ملل متحد، معاهدات بین‌الدول، میثاق‌های بین‌المللی که افغانستان به آن ملحق شده و اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر را رعایت می‌کند؛^۱ علاوه بر موارد گفته‌شده، قانون اساسی افغانستان در مواد دیگری^۲ با تأکید بر حفظ کرامت انسان، اهمیت ویژهٔ این ضابطه را متذکر می‌شود؛ بنابراین، می‌توان حقوق بشر را از جمله منابع قانون اساسی افغانستان دانست (علامه؛ ۱۳۸۳: ۱۰۹-۱۵۹).

روی‌کرد قانون اساسی افغانستان به جای‌گاه و خاست‌گاه شریعت، روی‌کرد حداقلی است و مرز آن مخالف نبودن مقررات با معتقدات و احکام اسلامی است (قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، مادهٔ ۳)؛ از این‌رو مراجعه به سایر منابع (اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر و عرف) برای قانون‌گذاری منعی ندارد و از این‌ نظر دست‌نهاد تقنینی و اجرایی کشور باز است. پذیرش تکثرگرایی در مبانی و بالتبع در منابع - هر چند موارد و مصادیق مشترکی بین گزاره‌های حقوقی این مکاتب وجود دارد - در برخی موارد، ممکن است با چالش جدی روبه‌رو شود و آن هنگامی است که قانون‌ناشی از خاست‌گاه اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر و اندیشهٔ دموکراسی با قانون برخاسته از خاست‌گاه منابع اسلامی در تضاد یا تناقض باشد؛ در هر صورت، چنان‌چه در مورد یا مواردی بین احکام اسلام و آموزه‌های اعلامیهٔ حقوق بشر و دموکراسی تناقض یا تعارضی رخ دهد، حکم اسلامی مقدم است (احمدی؛ ۱۳۸۶: ۱۶۷).

۳-۱-۲. آداب، رسوم و عرف‌های نادرست

در جامعهٔ افغانستان، سلسلهٔ آداب و رسوم سنتی و ملی که از آن‌ها به عنوان عنعنات (آداب و رسوم) ملی یا قومی یاد می‌شود، از چالش‌های اساسی حقوق شهروندی و حقوق بشر به حساب می‌آید. این آداب و رسوم بر بسیاری از باورها و رفتارهای مردم اثر گذاشته و زمینهٔ بسیاری از خشونت‌ها را فراهم کرده است. مذهب در بسیاری از مناطق افغانستان با این آداب و

^۱ -مادهٔ ۲۴ (فصل ۲، حقوق اساسی و وجایب اتباع): «...آزادی و کرامت انسانی از تعرض مصون است. دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف است» و بند اخیر مادهٔ ۲۹ از همین فصل: «... تعیین جزایی که مخالف کرامت انسانی باشد، ممنوع است.»

رسوم در آمیخته است. در برخی مناطق کشور، در کنار قوانین اسلامی و وضعی کشور، قوانین غیر مدون از جمله به نام پشتون‌والی وجود دارد که از ضمانت اجرایی نیرومندی برخوردار است. آقای الیویه روا (محقق فرانسوی) در این زمینه می‌نویسد: «پشتون‌والی، هم یک ایدئولوژی است و هم عرف و قانون که دارای ضمانت اجرایی می‌باشد. از ویژه‌گی پشتون‌والی، تفاوت آن با دستورها و احکام اسلام می‌باشد که حتی در برخی موارد، با آن معارض می‌باشد» (روا، الیویه؛ ۱۳۶۹: ۶۱).

بسیاری از این آداب و رسوم که با مقررات اسلامی در آمیخته است و توده مردم آن را با احکام مذهبی اشتباه می‌گیرند؛ به زنان مربوط می‌شود که با بسیاری از حقوق قانونی و اسلامی آنان معارض است؛ همانند محرومیت از ارث و تحصیل، شکنجه زنان، اجبار زن به کار در خانه، ازدواج اجباری، طلاق‌های خلاف شرع، ازدواج در سنین پایین و امثال آن. متأسفانه در افغانستان با وجود قوانین و احکام حمایتی باز هم تضمینی برای برخورداری از حق ازدواج و تشکیل خانواده، به خصوص برای زنان وجود ندارد. در سال ۱۳۹۴ تعداد ۶۰ قضیه نقض حق آزادی در ازدواج و انتخاب همسر در بانک معلومات کمیسیون به ثبت رسیده است. بروز انواع خشونت‌های فیزیکی، جنسی و سپس خودسوزی، خودکشی، طلاق، مشکلات روحی و روانی، فرار از منزل و غیره از آسیب‌های ازدواج در طفولیت به‌شمار می‌رود. حق مصونیت دختران بیش از پسران نقض می‌شود و دختران بیش‌تر قربانی ازدواج‌های قبل از وقت می‌شوند (پژمان؛ ۱۳۹۵: ۷ و ۶).

رفع این چالش نیازمند آموزش و فرهنگ‌سازی در سراسر کشور است که بخشی از وظایف مهم کمیسیون به‌شمار می‌رود. کمیسیون به تنهایی نمی‌تواند بر این چالش فایق آید و باید از همکاری دیگر سازمان‌ها، رسانه‌های همه‌گانی و علمای دین و دانش‌مندان بهره‌گیرد (صداقت؛ ۱۳۹۱: ۳۰۱) برای اصلاح اندیشه‌ها و داشتن یک جامعه پویا و عاری از رفتار ضد ارزش‌های حقوق بشر، باید در زنده کردن توانایی‌های انسانی و بالقوه و تربیت سرمایه‌های فکری کار آمد، متعهد و مسؤول جداً تلاش گردد تا ساختار نیروی انسانی نظام اصلاح گردیده و زمینه‌های تحول فکری در اندیشه‌ها مساعد گردد.

۲-۳. چالش حقوقی

در ارتباط با چالش‌های حقوقی به سه مسأله پرداخته شده است:

۳-۲-۱. سرنوشت قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل

حقوق بشر افغانستان

قانون این نهاد، دُچار سرنوشت «قانون منع خشونت علیه زنان» شده است. هنوز این قانون از مجلسین شورای ملی نگذشته و با فرمان رئیس جمهور، نافذ است؛ مانند قانون منع خشونت علیه زنان، که از اقبال خوبی برخوردار نبوده است و هنوز با تأیید رئیس جمهور نافذ است. قانون منع خشونت علیه زنان در سال ۲۰۱۳ میلادی، در دستور کار مجلس قرار گرفته شد؛ اما بعد از ۱۵ دقیقه بحث، تعدادی از نمایندگان محافظه کار پارلمان، محتوای آن را خلاف اسلام دانستند و از بحث خارج کردند. مخالفان این قانون در نهادهای قضایی افغانستان استدلال می‌کنند که چون این قانون از مجلسین شورای ملی نگذشته است. لذا قانون نیست و آنان نیز مکلف به رعایت آن نیستند. تصور می‌شود این استدلال بیش‌تر از سر عناد با حقوق زن باشد تا دغدغه غیر قانونی دانستن آن (www.cshrn.af).

۳-۲-۲. مکانیزم پذیرش و ثبت شکایات در کمیسیون

یکی از کارهای مؤثر کمیسیون، رسیده گی به شکایت از نقض حقوق بشر است. کمیسیون این شکایت‌ها را تحلیل و ارزیابی می‌کند و با جمع‌آوری اسناد، شواهد و معلومات لازم، برای پیگیری آن با مراجع مربوط هم‌کاری می‌کند و در صورت لزوم، موضوع را به مراجع مسؤول ارجاع می‌دهد. هم‌چنین می‌تواند اسناد، مدارک و شواهد را به دادگاه یا دیگر مراجع مربوط جهت تعقیب و رسیده گی تحویل دهد. در این زمینه در قانون اساسی آمده است: «هر شخص می‌تواند در صورت نقض حقوق بشری خود به این کمیسیون شکایت نماید. کمیسیون می‌تواند موارد نقض حقوق بشری افراد را به مراجع قانونی راجع سازد و در دفاع از حقوق آن‌ها مساعدت نماید»^۱.

در این نهاد، مکانیزمی وجود دارد که قضایای نقض حقوق بشر را ثبت و ضبط می‌کند؛ اما این مکانیزم، به یک دور باطل می‌ماند. نخست، این مکانیزم اکثر موارد جرایم عادی و نقض حقوق بشر را یکی می‌گیرد و ثبت می‌کند. دوم، این مکانیزم، به یک کار اضافی می‌پردازد. قضایای ثبت شده را بعد از بررسی به سارنوالی (دادستانی) محول می‌کند و بعد از تحقیق مستقل سارنوالی، قضیه به محکمه می‌رود و حکم محکمه در مورد آن صادر می‌شود.

^۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، ماده ۵۸

این کار چند ایراد دارد: اولاً، قضایا به نهادهایی فرستاده می‌شود که عده‌ی متهم به فساد و کم‌کاری هستند. ثانیاً، برخ سارنوالان (دادستان‌ها) و قضات درک درست از حقوق بشر ندارند و هیچ تفکیکی بین جرایم عادی و نقض حقوق بشر قائل نمی‌شوند. ثالثاً، بعضاً به ضرر قربانی است که قضیه‌اش از طریق کمیسیون به نهادهای قضایی ارجاع شود. نهادهای قضایی این کار را بیش‌تر دخالت در امور کاری خود می‌دانند، علی‌الخصوص نهاد قضایی و بعضاً قضایی که از طریق کمیسیون ارجاع شده باشد، نه تنها به آن رسیده‌گی نمی‌شود؛ بلکه از سر لُج، قضیه به تعویق می‌افتد. بعضاً راحت است که خود قربانی به طور مستقیم، بدون دخالت کمیسیون، به نهادهای قضایی مراجعه کند. این امر، رسالت نظارتی این نهاد را به چالش می‌کشد.

۳-۲-۳. نظارت بر اماکن سلب آزادی (زندان‌ها)

یکی از وظایف عمده کمیسیون مستقل حقوق بشر، نظارت بر اماکن سلب آزادی (زندان‌ها) است. این نهاد، اگرچه این کار را به خوبی انجام می‌دهد؛ اما بعضاً نهادهایی که از این اماکن نگه‌داری می‌کنند، هم‌کاری لازم را با کارمندان این نهاد ندارند. بعضاً نهاد امنیت ملی مانع نظارت شده، نمی‌گذارد که ناظران این نهاد، دوربین عکاسی با خود داشته باشند. عکس گرفتن برای مستندسازی موارد نقض حقوق بشر، بسیار مهم است.

بر اساس گزارش یوناما، شکنجه، به عنوان نقض بارز حقوق بشر — که افغانستان، به کنوانسیون منع شکنجه نیز پیوسته است — به طور گسترده و سیستماتیک، در این اماکن وجود دارد (www.unama.unmissions.org)؛ بنابراین، نظارت کمیسیون مستقل حقوق بشر از اماکن سلب آزادی، علی‌الخصوص اماکن سلب آزادی که از سوی نهاد امنیت ملی اداره می‌شود، در کاهش موارد شکنجه کم اثر بوده است؛ اگرچه به بهبود وضعیت زندانیان در کُل، در زندان‌های کشور کمک خوبی کرده است.^۱

۳-۳. چالش سیاسی

چالش‌هایی که به دولت و مداخلات و عدم هم‌کاری‌های نهادهای وابسته به آن مربوط می‌شود؛ به سه مورد آن اشاره می‌شود:

^۱ - در مورد کارکرد و مؤثریت این کمیسیون، به گزارش نهادهای جامعه مدنی آسیا که فصلی از آن در مورد کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان است.

۳-۳-۱. عدم توجه به گزارش‌ها و سفارش‌های کمیسیون مستقل حقوق

بشر

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، گزارش‌های خوبی منتشر می‌کند و تقریباً در هر گزارش، پیش‌نهادهایی به دولت افغانستان ارائه می‌کند؛ اما این گزارش‌ها کم‌تر جدی گرفته می‌شوند و توجهی به سفارش‌ها و توصیه‌های کمیسیون نمی‌شود؛ البته این مشکل به کمیسیون خلاصه نمی‌شود، نهادهای دیگر نیز چنین وضعیتی دارند. اصولاً نشر گزارش و عدم توجه به توصیه‌های آن در ساختارهای دیگر دولتی، تأثیرات این نهاد را تقلیل می‌دهد.

۳-۳-۲. نبود ارادهٔ سیاسی برای تأمین حقوق بشر

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می‌گوید نبود ارادهٔ سیاسی برای تأمین حقوق بشر و ناامنی‌ها؛ چالش‌های اصلی در برابر تأمین حقوق بشری مردم افغانستان هستند. مسؤولان کمیسیون معتقدند که ارادهٔ سیاسی در کشور برای حمایت و توسعهٔ حقوق بشر بسیار کم بوده است. گروه‌هایی در داخل نظام و بیرون از نظام حضور دارند که علیه حقوق بشر فعالیت داشته‌اند و یا فعالیت حقوق بشر را علیه تداوم کارهای‌شان می‌بینند (محمودی؛ www.dw.com/fa-af/).

پس از آغاز کار حکومت جدید، امیدواری‌هایی وجود داشت که قربانیان حقوق بشر به حقوق‌شان دست یابند. قرار بود حکومت افغانستان برنامهٔ عدالت انتقالی را تطبیق کند؛ اما چنین نشد و برنامهٔ عدالت هم‌چنان بی‌سرنوشت ماند.

پارلمان افغانستان در سال ۲۰۰۷ منشور «مصالحهٔ ملی» را تصویب کرد. براساس این منشور، تمام گروه‌ها و افرادی که در منازعه‌های دوران شوروی، دوران مجاهدین و زمان طالبان دخیل بودند، از پیگرد قضایی معاف شدند. (کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ۶-۷ ژوئن ۲۰۰۵) مسؤولان کمیسیون قائل هستند که با تعهداتی که دولت افغانستان در رابطه با تأمین حقوق بشر دارد، امیدواری‌ها برای حفظ دست‌آوردهای حقوق بشری وجود دارد.

۳-۳-۳. حضور اشخاص متهم در بدنهٔ حکومت

براساس گفته‌های آگاهان، فعالیت‌های حقوق بشری در افغانستان با تهدید جدی‌تر از سوی عناصر در داخل حکومت نسبت به شورشیان مسلح مواجه‌اند. آن‌ها هشدار می‌دهند که نیروهای حکومتی اکثر مایل و یا قادر به تأمین حاکمیت قانون نیستند که این کار باعث افزایش خشونت‌ها شده است.

رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان معتقد است که حکومت داری ضعیف و اجرای قانون به صورت نامنظم باعث بالا رفتن سطح خشونت‌ها شده است. بزرگ‌ترین مشکل این است که هیچ تعهد مناسب سیاسی از طرف حکومت به منظور آوردن عدالت و تضمین رعایت حقوق بشر وجود ندارد، بسیاری از اشخاص که هم اکنون در قدرت هستند؛ متهم به نقض حقوق بشرند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به خاطر این موضوع با حکومت قبلی حامد کرزی در جدال بود. در ماه دسامبر سال ۲۰۱۱ قرار بود که این کمیسیون یک گزارش عمده را در مورد تخطی‌های حقوق بشری در جریان سه دهه جنگ را در افغانستان که نام عاملان جنگ‌های قبلی که فعلاً به صورت کارمندان عالی رتبه حکومتی کار می‌کنند در آن نیز شامل است؛ ارائه کند. سیما سمر رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می‌گوید که این گزارش هیچ‌گاه منتشر نشد وی افزود: «زمانی که من از آقای رئیس جمهوری خواستار تضمین امنیت اعضای کمیسیون بعد از انتشار گزارش شدم، حامد کرزی به من جواب منفی داد».

(حبیب؛ www.iwpr.net)

علاوه بر مطالب بالا، با توجه به شرایط سیاسی و موقعیت استراتژیک افغانستان از نظر اقتصادی، سیاسی، ژئوپلیتیکی و فرهنگی، نهاد ملی حقوق بشر در افغانستان با چالش‌های اساسی روبه‌روست که بر جای‌گاه حمایتی این نهاد اثر خواهد گذاشت.

۴-۳. چالش اقتصادی

یکی از تعهدات دولت افغانستان بر اساس اصول پاریس، استقلال این نهاد به لحاظ مالی است. دولت باید بودجه کافی، برای پیش‌برد اهداف آن، در اختیار این نهاد قرار دهد؛ اما از تأسیس این نهاد تاکنون، دولت، حمایت مالی مناسب از این نهاد نکرده است و این نهاد، بودجه سالانه‌اش را از طریق تأمین‌کنندگان خارجی، به‌دست می‌آورد. اتکا بر کمک مالی خارجی، این نهاد را بیش‌ازپیش آسیب‌پذیر ساخته است و در نبود کمک‌های مالی داخلی یا با مشروط‌کردن کمک‌های مالی خارجی، ضمن این که استقلال این نهاد آسیب می‌بیند، وجود آن را نیز با خطر مواجه می‌سازد (فیض؛ ۱۳۹۴: ۴۱).

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان علی‌رغم مواجهه با این چالش‌های جدی و تحمل دشواری‌ها و شرایط کار در یک کشور پسمانزعه و درگیر جنگ، با برخورداری از مدیریت و رهبری کارآمد، توانسته به عالی‌ترین صورت ممکن، مأموریت‌ها و وظایف قانونی خویش را به منصفه اجراء بگذارد و به عنوان یک نهاد ملی سالم، قوی و پویا و عاری از هرگونه ناپاکی و

آلودگی به کار و پیکار ثمربخش خویش ادامه بدهد. در عین حال در سطح بین‌المللی نیز به صورت یک نهاد ملی با اعتبار در جمع نهادهای ملی حقوق بشر ملل جهان، با درخشندگی و برجسته‌گی خاص تبارز نماید^۱ و جای‌گاه شایسته خویش را به قوت تمام احراز کند. با انجام فعالیت‌ها و تلاش‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، آگاهی عمومی از موازین حقوق بشر افزایش یافته و مفهوم حقوق بشر اکنون به یک گفتمان جدی در سطح ملی بدل شده است، همه‌ساله، هزاران نفر به منظور دستیابی به حقوق مسلم بشری خود به دفاتر کمیسیون مراجعه می‌کنند و از حمایت‌های قانونی این نهاد بهره می‌برند، دیگر از زندان‌های شخصی خبری نیست و شکنجه و موارد دیگری از نقض‌های فاحش حقوق بشر در کشور کاهش یافته یا حداقل به طور سیستماتیک و هدفمند اعمال نمی‌شود. سازمان‌های مدنی برای اولین بار در تاریخ افغانستان شکل گرفته و به صورت آزادانه فعالیت می‌کنند. این شاخص‌ها و شاخص‌های دیگری از این دست، نشان از کارآمدی و اثرگذاری بی‌نظیر کمیسیون در امر تحقق اهداف و مأموریت‌هایش داشته و نشان‌دهنده آن است که کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان مکانیزم مؤثر و کارآمد برای حمایت از قربانیان نقض حقوق بشر، توسعه و بهبود حقوق بشر در افغانستان می‌باشد (فرزام؛ ۱۳۹۵؛ سایت کمیسیون حقوق بشر افغانستان ۱۳۹۵/۴/۳۰).

نتیجه‌گیری

رعایت حقوق بشر و احترام به آن، یکی از الزام‌ها و شاخصه‌های دنیای مدرن و نظام‌های دموکراتیک و مردم‌سالار است؛ بر این مبنا پس از کنفرانس بُن، تصویب قانون اساسی در سال ۱۳۸۲ و تثبیت حقوق اساسی شهروندان در فصل دوم آن و التزام دولت افغانستان به اسناد بین‌المللی حقوق بشر، اولین تضمین اساسی حقوق بشر در تاریخ افغانستان است؛ فصل دوم قانون اساسی به حقوق اساسی شهروندان افغانستان اختصاص یافت و حقوق بنیادین بشری، ضمانت‌های محکم قانونی یافت. به موجب ماده هفتم قانون اساسی، دولت مکلف به رعایت «منشور ملل متحد، معاهدات بین‌الدول، میثاق‌های بین‌المللی که افغانستان به آن ملحق شده و

^۱ - کمیته فرعی اعتباردهی کمیته هماهنگی بین‌المللی نهادهای ملی حقوق بشر (ICC)، در نوامبر سال ۲۰۰۸ بعد از ارزیابی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، درجه اعتباری «A» را به این نهاد اعطا کرد. در دوره دوم، باهم کمیسیون مورد ارزیابی قرار گرفت و کمیته اعتباردهی باردیگر درجه اعتباری «A» را از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ برای کمیسیون تصویب کرد. در سایر مجامع بین‌المللی نیز کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از چنین اعتبار بالایی برخوردار است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر» گردید. درج و تأیید موازین حقوق بشر در قانون اساسی، گام مهمی در راستای تضمین قانونی حقوق بشر در تاریخ افغانستان است.

از آن جایی که وضع ضمانت‌های قانونی برای تحقق و تأمین حقوق بشر کافی نیست، قانون اساسی افغانستان ضمن تثبیت و تضمین حقوق بشر برای تمام شهروندان، مهم‌ترین سازوکار ملی را برای نخستین بار در تاریخ کشور، به منظور حراست و پاس‌داری از حقوق اساسی شهروندان به صورت رسمی تأسیس کرد؛ کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به عنوان یک نهاد ملی حقوق بشر، جای‌گاه قانونی یافته و به صورت رسمی تأسیس گردید. این نهاد طی سال‌های گذشته فعالیت‌های مؤثر، چشم‌گیر و قابل ملاحظه‌یی در حوزه‌های نظارت، حمایت و توسعه حقوق بشر انجام داده که سهم بزرگ، بی سابقه و بی نظیر در تأمین حقوق بشر در افغانستان داشته و آثار و نتایج عملی فوق‌العاده‌یی را همراه داشته است.

از جانب دیگر، مقوله حقوق بشر در جامعه افغانستان هم‌راه با سوء برداشت‌ها و نگاه‌های منفی بوده و پاره‌یی از افراد این ارزش جهان‌شمول و انسانی را ابزار سیاسی جناح غرب و بی‌ریشه در فرهنگ جامعه اسلامی می‌دانند. حساسیت‌های اجتماعی و سیاسی نسبت به فعالیت‌های حقوق بشری، خرابی‌ها و شکاف‌های اجتماعی و سیاسی به‌جامانده از سال‌های جنگ، سنت‌های ناصحیح اجتماعی، فقر، فساد اداری، ضعف حاکمیت دولت در برخ مناطق و گسترش ناامنی در نقاط مختلف کشور، کم سواد و ضعف حاکمیت قانون، سطح پایین آگاهی مردم از حقوق بشر، تعارض حقوق بشر با موازین اسلامی، مکانیزم دریافت و ثبت شکایات، استقلال مالی کمیسیون، نبود اراده سیاسی برای تأمین حقوق بشر، آداب و رسوم و عرف‌های نادرست، وجود اشخاص متهم به جرم در بدنه حکومت از چالش‌هایی است که کمیسیون در روند تطبیق اهداف و مأموریت‌های خویش با آن مواجه بوده است.

سرچشمه‌ها

۱. احمدی، عید محمد. (۱۳۸۶). **مبانی قانون‌گذاری در افغانستان**. قم: مجله معرفت. سال شانزدهم، شماره ۱۱۸.
۲. امیرارجمند، اردشیر. (۱۳۸۱). **مجموع اسناد بین‌المللی حقوق بشر - اسناد جهانی**. تهران: کرسی حقوق بشر. صلح و دموکراسی یونسکو در دانشگاه شهید بهشتی.
۳. پژمان، اسدالله و زهرا معتمدی. (۱۳۹۵). **وضعیت حقوق بشر در افغانستان در سال ۱۳۹۴ شمسی**. کابل: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.

۴. تاموشات، کریستیان. (۱۳۸۶). **حقوق بشر**. ترجمه حسین شریفی طراز کوهی. چاپ اول. تهران: نشر میزان.
۵. حسینی مزاری، سید عیسی. (۱۳۸۲). **قانون اساسی افغانستان، خواسته‌ها و بایسته‌ها** (مجموعه مقالات سیمینار). مشهد: محقق.
۶. خبرگزاری صدای افغان (آوا). (www.avapress.com)
۷. رواء، الیویه. (۱۳۶۹). **افغانستان، اسلام و نوگرایی سیاسی**. ترجمه ابوالحسن سرو مقدم. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۸. روحانی، علی رضا. (۱۳۷۶). **نقش نهادهای ملی حقوق بشر در ارتقاء و حمایت از حقوق بشر** (پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه مفید، قم، ایران)
۹. صداقت، قاسم علی. (۱۳۹۱). **راهکارهای تضمین حقوق شهروندی در فقه و قوانین افغانستان**. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۰. علامه، غلام حیدر. (۱۳۸۳). «**جایگاه حقوق بشر در قانون اساسی افغانستان**». تهران: فصل‌نامه نهضت. سال پنجم. شماره ۱۹.
۱۱. فرزام، عبد الاحد. (۱۳۹۵). «**نگاهی به چهارده سال فعالیت مؤثر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان**». سایت کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان. ۳۰/۱۳۹۵/۴ (www.aihrc.org.af)
۱۲. فیض، حسن علی. (شنبه، ۲۱ قوس، ۱۳۹۴). «**تعهدات حقوق بشری افغانستان از شعار تا عمل**»، روزنامه ۸ صبح.
۱۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان. سال ۱۳۸۲
۱۴. قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۱۳۸۴/۲/۱۲)
۱۵. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان. (۱۳۹۳). **برنامه عمل کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان ۱۳۹۳-۱۳۹۷** (۲۰۱۴-۲۰۱۸).
۱۶. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان. (۶-۷ ژوئن ۲۰۰۵). "صلح، مصالحه و عدالت در افغانستان"، برنامه عمل دولت جمهوری اسلامی افغانستان، از انتشارات کمیسیون حقوق بشر افغانستان.

۱۷. کنوست، ماندانا و راسخ افشار. (۱۳۸۶). **رهنمود انستیتوت ماکس پلانک برای حقوق اساسی افغانستان**. ج ۲ (رویه مبتنی بر قانون اساسی و حقوق بشر). ترجمه حسین غلامی. آلمان: چاپ انستیتوت حقوق مقایسوی عامه و حقوق بین الملل ماکس پلانک، هیلال گوور، الیکساندرا، رامین مشتاقی و ماندانا راسخ افشار کنوست. (۱۳۸۹). **موازن محاکمه عادلانه در افغانستان**. کابل: نشر ماکس پلانک، چ چهارم.

۱۹. مهرپور، حسین. (۱۳۹۲). **نظام بین المللی حقوق بشر**. چاپ پنجم. تهران: انتشاراطلاعات.

۲۰-Institution Nationales Pour Les Droits De L Homan Nations Unies New York Et Geneve, ۱۹۹۶.

۲۱-National Institution For The Promotion And Protection Of Human Right, Sheet Genewa, March ۱۹۹۴. NO۱۹,

۲۲-Al-Jaberi, Mohammed Abed Democracy, Human Rights and Law in Islamic Thought Centre for Arab Unity Studies, Beirut, ۲۰۰۹.

۲۳-Barfield, Tomas, Afghanistan: A Cultural and Political History, Princeton university press, New Jersey ۲۰۱۰.

۲۴-Runion, Meredith L. The History of Afghanistan, Green wood press, London, ۲۰۰۷.

۲۵-Convention on the prevention and punishment of the crime of Genocide, UN, G. A., Res. ۲۶۰A (III) of ۹ Dec. ۱۹۴۸.

۲۶-International Convention on the Elimination of all Forms of Racial Discrimination, UN, G. A., Res. ۲۱۰۶ (XX) of ۲۱ Dec. ۱۹۶۵.

۲۷-Convention on the Elimination the Rights of the child, UN, G. A., Res. ۴۴/۲۵ of ۲۰ Nov. ۱۹۸۹.

۲۸-Convention on the Elimination of all Forms of Discrimination Against women, UN, G. A., Res. ۳۴/۱۸۰ of ۱۸ Dec. ۱۹۷۹.

۲۹-Convention Against Torture and other Cruel, inhuman or Degrading treatment or punishment, UN, G. A., Res. ۳۹/۴۶ of Dec. ۱۹۸۴.

۳۰-Convention on the Rights of Persons With Disabilities, Un,G.A., Res/۶۱/۱۰۶ of dec ۲۰۰۶.

A/RES/۱۳۴/۴۸, dec ۱۹۹۳.

۳۱-www.unama.unmissions.org/un-afghan-report-torture-detention-shows-some-progress

۳۲-Said Mahmoudi, The Shari a in the new Afghnconstitution: Contradiction or Compliment, in: [http:// www.mpil.de/shared/data](http://www.mpil.de/shared/data)

۳۳-Sharon Otterman, Afghanistan: The New Constitution, In <http://www.Cfr.org>